

مذاکره مستقیم؟!!

سید عطاء الله مهاجرانی

در سالگرد انقلاب اسلامی هستیم. مخالفان و دشمنان گمان نمی‌کردند، این انقلاب و نظام پس از چهل و سه سال، سربلند و مقاوم در برابر دشواری‌ها، بایستد، بماند و بپاید. این سخن به معنی نفی نقد و انکار مشکلات، دشواری‌ها و نابسامانی‌ها نیست. به معنی نگاه به موقعیت کشور و توانایی ملی و منطقه‌ای ایران است. در این مسیر یا در این مصیر! باید به نقد ۴۳ گذشته پرداخت و از هزینه‌های بیهوده و فرسایش نیرو و وقت و توان ملی در اموری که اساساً شأن نظام و دولت دخالت در آن ساحت‌ها نبوده است، پرهیز کرد. در مسابقه فوتبال ایران-عراق، اجازه داده شده بود، دو هزار نفر از بانوان در استادیوم حضور داشته باشند. تیم ایران، با تلاشی موفق و درخشندگی به جام جهانی راه یافت. همه تماشگران، بانوان و آقایان، دختران و پسران ما، سرشار از شادی و شور شدند. ملت ایران خوشحال شد. گناهی هم اتفاق نیفتاد. حرامی حلال نشد. آسمان به زمین نرسید. ساحت حوزه علمیه و مرجعیت نلرزید. درست مثل آقایان که این امکان را داشته‌اند و دارند که در استادیوم شرکت کنند، این امکان به بانوان هم داده شد. در واقع هر بانوی ایرانی که حتی ممکن است در عمرش هم به استادیوم نرود، وقتی می‌داند که این حق را دارد که برای دیدن مسابقه‌ای، در ورزشگاه‌ها شرکت کند، فضای تنفسی او به عنوان یک انسان بازتر می‌شود. خانواده، مادر و پدر و فرزندان می‌توانند به ورزشگاه بروند. گاه انسان حیرت می‌کند که چرا یک مساله ساده و عرفی را ما تبدیل به امری ارزشی و دینی و مقدس و نهایتاً تابو می‌کنیم، تا کسی جرات نکند در آن باره سخنی بگوید. دوچرخه‌سواری بانوان هم از همین زمره است. اموری که به اصطلاح جزو «منطقه الفراغ» است. به نظرم مرجعیت یا حوزه علمیه نباید در این‌گونه مسائل دخالت کند. امری عرفی است. مذاکره با امریکا هم از جمله همین امور است! نباید مذاکره را تبدیل به تابو کرد. تا اگر به دلایلی و در شرایطی دولت یا حکومت تشخیص داد که مذاکره به نفع ملت و کشور است، نتواند از دیوار بلندی که ساخته شده است، بگذرد یا تابو را بشکند. خداوند رحمت کند، مرحوم آیت‌الله شاهرودی رییس وقت دستگاه قضایی، اطلاعیه داده بود که هر کس از مذاکره با

امریکا سخن بگوید، برایش پرونده قضایی تشکیل میشود! و اگر مذاکره مستقیم کرد، متهم شود که ارزشهای انقلابی را نادیده گرفته است. در اردیبهشت سال ۱۳۶۹ که مقاله «مذاکره مستقیم» را در روزنامه اطلاعات نوشتم و:

ایمان و امان به سرعت برق
میرفت که مومنین رسیدند!

جورج بوش پدر، محترمانه از ایران دعوت کرده بود، که درباره مسائل دوجانبه با ایران گفتوگو شود. موضع او غیر از موضع ترامپ و پمپئو بود که شرایط مذاکره را دیکته میکردند و مرادشان از مذاکره تسلیم شدن در برابر شرایط آمریکا بود. بدیهی است که هیچ انسان منطقی و وطن‌دوست و انقلابی نمیتوانست و نمیتواند در برابر چنان فشار و تحمیلی تسلیم شود. چنانکه وقتی بعد از تهدید ترامپ عده‌ای از ایرانیان خارج از کشور بیانیه‌ای مبتنی بر ضرورت مذاکره با آمریکا منتشر کردند، من به عنوان نویسنده همان مقاله مذاکره مستقیم، مخالفت کردم و به صراحت گفتم هیچ کس در برابر تهدید تسلیم نمیشود. چند نکته:

اول: از لحاظ نظری نمیتوان مذاکره را مطلقاً برای همیشه نفی کرد. موسی علیه‌السلام ماموریت و رسالت الهی داشت که با فرعون، رامسس دوم که جنایتکارترین فرعون از سلسله فراعنه مصر بود؛ با زبان خوش گفتوگو کند. تا شاید چنان گفتوگویی نرم توأم با مدارایی در فرعون اثر بگذارد.

دوم: مذاکره با آمریکا، در ماجرای سفر مک فارلین به تهران، حتماً به مصلحت و منفعت ملت ایران در شرایط دشوار جنگی بود. برخی افراد افراطی و رادیکال با افشای سفر مک فارلین، در واقع به مصالح ملی آسیب زدند. البته گمان نمیکردند که مصلحتد و انقلابی‌اند و از قم نیز حمایت میشدند.

سوم: در ماجرای سقوط صدام و نیز در افغانستان، ایران مستقیماً در سطوح سیاسی، نظامی و امنیتی با آمریکا مذاکره کرد. به عنوان نمونه، وقتی طرف مذاکره ایرانی در گفتوگو با مقامات نظامی و امنیتی امریکایی شهید قاسم سلیمانی باشد، چه نکته‌ای یا خرده‌ای بر مذاکرات میتواند گرفت؟ بدیهی است که مذاکرات نمیتواند بدون اشراف مقامات عالی نظام، به ویژه رهبری صورت گرفته باشد.

چهارم: اگر امریکایی‌ها در موقعیتی باشند که اولاً تحریم‌های غیرقانونی و غیرموجهی که در زمان ترامپ برقرار شد را حذف کنند و بتوانند اطمینان نسبی طرف ایرانی را جلب کنند؛ مذاکره چه ایراد یا اشکالی میتواند داشته باشد؟ مذاکره يك پروسه است، نه يك امر ثابت و قطعی. طبیعی است که هر طرف میتواند پیشنهادات یا دیدگاه

طرف مقابل را نپذیرد. مذاکرات طولانی در تاریخ دیپلماسی، در واقع اسناد و نشانه همین روند است. مذاکرات امیرکبیر در «ارزنة الروم» نمونه تاریخی چنین مذاکراتی است.

از طرف دولت ایران میرزا تقیخان امیرکبیر مأمور مذاکره با دولت عثمانی شده بود. وی از سال ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۲ هجری- قمری در «ارزنة الروم» با نمایندگان دولت عثمانی و نیز نمایندگانی از روس و انگلیس، برای رفع اختلافات بین ایران و عثمانی مذاکره کرد.

در موقعیت فعلی، امریکاییها با خروج از برجام در دوره ترامپ، از زاویه سیاسی و منطقی و تبلیغاتی دست پایین را در مذاکره دارند. وقتی طرف ایرانی میگوید: «امریکا باید تضمین بدهد که بار دیگر از برجام خارج نخواهد شد» و طرف امریکایی میگوید: «نمی‌توانیم تضمین بدهیم!» این سخن امریکا سنجیده می‌شود و نشانه موقعیت ضعیف امریکا در مذاکرات برجام است. همه میدانند که شرط اصلی مذاکره، اعتماد به مواضع و سخنان طرف مقابل است. در هر حال مذاکره يك روش است، می‌توان در موقعیتی از این روش استفاده کرد یا نکرد. البته دیگر اعضای برجام، به ویژه انگلستان و فرانسه و حتی چین و روسیه، همواره در گفت‌وگوی مستقیم با امریکا هستند، اگر مصلحت اقتضا کند، چرا ایران از این موقعیت به نفع منافع خود بهره نگیرد؟ چنانکه میدانیم، واسطه‌ها همواره از زاویه منافع خود به موضوع نگاه می‌کنند، تردیدی نیست که روسیه و چین علاقه‌مند به گفت‌وگوی مستقیم امریکا و ایران و حتی بازسازی روابط دوجانبه دو کشور نیستند. نباید به گونه‌ای رفتار کرد که نماینده همسایه شمالی نقش کارگردان خودخوانده برجام را پیدا کند.

منبع: روزنامه اعتماد 9 بهمن 1400 خورشیدی